



علی (ع) از منظر و بیان محمد مصطفی (ص)

روزی که رسول مکرم اسلام، جانشین خود را برگزید، از بزرگی و فضائل و مقامات امیرمؤمنان علی(ع) گفتند؛ هرچند در آغاز سهل می نماید، با مقداری فرو رفتن در بحر فضائل بی شمار او، درمی یابیم که بیان فضائل سخت مشکل و دشوار است «که عشق آسان نمود اول ولی افتاد مشکل‌ها».

روزی که رسول مکرم اسلام، جانشین خود را برگزید، از بزرگی و فضائل و مقامات امیرمؤمنان علی(ع) گفتند؛ هرچند در آغاز سهل می نماید، با مقداری فرو رفتن در بحر فضائل بی شمار او، درمی یابیم که بیان فضائل سخت مشکل و دشوار است «که عشق آسان نمود اول ولی افتاد مشکل‌ها».

زیبا گفته خلیل بن احمد وقتی از او درباره فضائل علی(ع) پرسش شد: «کیف اصف رجلاً کتم اعادیه محاسنه و حسداً و احبائه خوفاً و ما بین الکلمتین ملاً الخائفین؛ چگونه می توانم مردی را توصیف کنم که دشمنانش از روی حسادت و دوستانش از ترس(دشمنان)محاسن او را پنهان نمودند، در بین این دو رفتار شرق و غرب عالم محامدش را فراگرفته است.

آنچه پیش رو دارید نگاهی است گذرا به فضائل و اوصاف امیرمؤمنان علی(ع) از زبان پیامبر اکرم(ص) در منابع اهل سنت چرا که:

خوشتتر آن باشد که سر دلبران
گفته آید در حدیث دیگران

علی را جز خدا و نبی(ص) نشناختند

راستی این اعجوبه کون کیست که همه در شناخت او در مانده اند، عده ای او را تا سر حدّ خدایی بالا برده اند، و عده ای حتی در بندگی او شک دارند که:

در مسجد کوفه شهیدش کردند
گفتند مگر اهل نماز است علی؟!

و آن که او را حقیقتاً شناخت خدای او و رسول خدایش بود.

پیامبر اعظم(ص) خطاب به علی(ع) فرمود: «یا علی ما عرف الله حق معرفته غیری و غیرک و ما عرفک حق معرفتک غیر الله و غیری؛ ای علی! خداوند متعال را شناخت به حقیقت شناختش جز من و تو، و تو را شناخت آن گونه که حق شناخت توست، جز خدا و من.»

و در جای دیگر فرمود: «یا علی لایعرف الله تعالی الا انا و انت و لایعرفنی الا الله و انت و لا یعرفک الا الله و انا؛ ای علی! خدا را شناخت جز من و تو، و مرا شناخت جز خدا و تو و تو را شناخت مگر خدا و من.»

فضائل بی شمار

پیامبری هم که علی را شناخته اعتراف دارد که فضائل او قابل شماره و احصی نیست.

ابن عباس می گوید پیامبر اکرم(ص) فرمود: «لو انّ الفیاض اقلام و البحر مدادٌ و الجنّ حسابٌ و الانس کتابٌ ما احصوا فضائل علی بن ابی طالب؛ اگر انبوه درختان (و باغها) قلم، و دریا مرکب، و تمام جتیان حسابگر، و تمام انسان ها نویسنده باشند قادر به شمارش فضائل علی بن ابی طالب نخواهند بود»

و در جای دیگر پیامبر اعظم فرمود: «انّ الله تعالی جعل لاهی علیّ فضائل لاتحصی کثرة فمن ذکر فضیلة من فضائله مقرباها غفر الله له ما تقدّم من ذنبه و ماتأخّر؛ براستی خداوند برای برادرم علی(ع) فضائل بی شماری قرار داده است که اگر کسی یکی از آن فضایل را از روی اعتقاد و اعتراف بیان نماید، خداوند گناهان گذشته و آینده او را می بخشد.

و من کتب فضیلة من فضائله لم تزل الملائكة تستغفرله ما بقی لتلك الكتابه رسم، و من استمع فضیلة من فضائله کفر الله له الذنوب التي اکتسبها بالاستماع و من نظر الی کتاب من فضائله کفر الله له الذنوب التي اکتسبها بالتظر، اگر کسی یکی از فضائل آن حضرت را بنویسد، تا هنگامی که آن نوشته باقی است، ملائکه برای او استغفار می کنند و اگر کسی یکی از فضائل آن حضرت را بشنود، خداوند همه گناهانی را که از راه گوش انجام داده

است می بخشد، و اگر کسی به نوشته ای درباره فضائل علی(ع) نگاه کند، خداوند تمام گناهانی که از راه چشم کرده است می پوشاند و از آن در می گذرد.»

آنچه خوبان دارند تو تنها داری

علی نه تنها اوصاف خوبان عالم را داراست و «آنچه خوبان همه دارند او تنها دارد» بلکه اوصاف تمامی پیامبران اولوالعزم را که عصاره هستی هستند بجز پیامبر خاتم در او جمع آمده است.

بیهقی یکی از دانشمندان نامی اهل سنت چنین روایت نموده که پیامبر اکرم(ص) فرمود:

«من احبّ ان ينظر الی آدم فی علمه و الی نوح(ع) فی تقواه و ابراهیم فی حلمه و الی موسی فی عبادته فلینظر الی علی بن طالب علیه الصلوة و السلام؛ هر کسی دوست دارد به علم و دانش آدم بنگرد و مقام تقوا و خودنگهداری نوح را(مشاهده نماید) و بردباری ابراهیم(نظاره کند) و به عبادت موسی(ع) (پی ببرد) باید به علی بن ابی طالب(ع) نظر بیندازد.»

مناقب، روایت فوق را در دو مورد به این صورت نقل نموده است. پیامبر اکرم(ص) فرمود: «من اراد ان ينظر الی آدم فی علمه و الی نوح فی مهمه و الی یحیی بن زکریّا فی زهده، و الی موسی بن عمران فی بطشه، فلینظر الی علی بن ابی طالب علیه السلام؛ هر کس می خواهد دانش آدم را، فهم (زرف) نوح را، و زهد یحیی را و قاطعیّت موسی بن عمران را بنگرد، به علی بن ابی طالب نظر کند.»

محبت و علاقه پیامبر(ص) به علی(ع)

هر کس جامع کمالات باشد محبوب دلها نیز هست، پیامبر اکرم(ص) که خود محبوب عالمیان و خوبان و پاکان است، عاشق شیدای علی است، چرا که به تصریح آیه مباهله، علی جان پیامبر است «انفسنا» و جان هر کس شیرین و دوست داشتنی است.

به همین جهت بارها پیامبر اکرم(ص) می فرمود: «من احبّ علیّاً فقد احبّتی...؛ هر کس علی را دوست بدارد به من محبت ورزیده است.» و فرمود: «محبت محبتی و مبغضک مبغضی؛ دوستدار تو دوست من است، و دشمن تو دشمن من.»

شخصی از پیامبر اکرم(ص) پرسید: «یا رسول الله انک تحبّ علیّاً؟ قال: او ما علمت انّ علیّاً متی و انا منه؛ ای رسول خدا علی(ع) را دوست می داری؟ فرمود: مگر نمی دانی که علی از من و من از اویم.»

آیا کسی جان شیرین و پاره تنش را دوست نمی دارد؟

مناقب با اسنادش از رسول خدا نقل می کند که آن حضرت فرمود: «انّ الله عزّ و جلّ امرنی بحبّ اربعة من اصحابی و اخبرنی انه یحبهم. قلنا: یا رسول الله من هم؟ فלקنا یحبّ ان یكون منهم، فقال: الا انّ علیّاً منهم ثم سکت، ثم قال: الا انّ علیّاً منهم ثم سکت؛ براستی خدای عزیز و جلیل مرا امر کرده است به دوستی چهارنفر از اصحاب، و خبر داد مرا که خداوند(نیز) آنها را دوست می دارد، گفتم: ای رسول خدا آنها کیستند؟ پس هر یکی از ماها دوست داریم جزو آنان باشیم. پس فرمود: آگاه باشید علی از آنهاست، سپس سکوت کرد، دوباره فرمود: به راستی علی از آنهاست و سکوت کرد.»

عایشه می گوید: هنگامی که رسول خدا(ص) به حالت احتضار درآمد فرمود: ادعوا الیّ حبیبی؛ محبوب مرا بخوانید، من به سراغ ابی بکر رفتم و او را احضار نمودم. وقتی ابابکر بر پیغمبر داخل شد حضرت نظری به سوی او افکند سپس از او روی گردانید و (برای مرتبه دوم) فرمود: «ادعوا الیّ حبیبی؛ محبوب مرا بخوانید. آنگاه حفصه عمر را احضار کرد پیغمبر همان گونه که از ابی بکر روی گردانید از عمر نیز روی گرداند. عایشه گوید: من گفتم وای بر شما پیغمبر علی بن ابی طالب(ع) را می خواند، سوگند به پروردگار جز علی را نمی خواهد. پس رفتند سراغ علی (ع)، وقتی که پیغمبر علی را دید، او را محکم به سینه چسبانید آنگاه در گوش آن حضرت هزار حدیث بیان فرمود که هر حدیثی راهگشای هزار حدیث بود.»

از ابن عباس نقل شده است که پیامبر اکرم(ص) فرمود: «علیّ متی مثل رأسی من بدنی؛ علی نسبت به من مانند سر است نسبت به بدن.»

صد البته که محبت های پیامبر اکرم(ص) به علی صرف محبت عاطفی نیست بلکه بر اساس لیاقت ها و کمالاتی است که مولا علی(ع) دارا می باشد که به نمونه هایی از کمالات و فضائل آن حضرت، از زبان خود پیامبر اکرم(ص) اشاره می شود.

علم علی(ع)

علم و دانش علی اکتسابی نیست تا استاد برتر از خود و شاگردان و هم دوره هایی همسان خود داشته باشد، بلکه علم او «لدنی» است و و ریشه در

علم الهی و آسمانی دارد، به این جهت علم او بر همه انسان های معمولی و غیر مرتبط با وحی آسمانی برتری و امتیاز دارد، و به همین جهت است که حتی در منابع اهل سنت نیز از او به عنوان «اعلم الناس» یاد شده است که به نمونه هایی اشاره می شود:

1- پیامبر اکرم(ص) فرمود: «اعلم امتی من بعدی علی بن ابی طالب علیه السلام؛ داناترین امت من بعد از من علی بن ابی طالب(ع) است.»

2- عبدالله بن مسعود می گوید، پیامبر اکرم(ص) فرمود: «قَسَمْتُ الْحِكْمَةَ عَلَى عَشْرَةِ أَجْزَاءٍ فَأَعْطَى عَلِيٌّ تِسْعَةً وَ النَّاسُ جُزْءًا وَاحِدًا؛ حکمت (و دانش) به ده جزء تقسیم شده است و به علی نه قسمت آن و به (باقی مردم) یکدهم داده شده است.»

تمامی علوم بشری و پیشرفت های آن جزء همان یکدهم است، و علم علی(ع) نه برابر دانش تمامی بشریت است. و راز آن هم این است که ریشه در مهبط وحی الهی یعنی پیغمبر اکرم(ص) دارد، که خود فرمود: «انا مدينة العلم و علی بابها، فمن اراد العلم فیأت الباب؛ من شهر علم (الهی و وحیانی) هستم و علی در آن است پس هر کس اراده دانش دارد باید از درب (شهر) وارد شود».

3- عایشه درباره علی(ع) می گوید: «هو اعلم الناس بالسنّة؛ او داناترین مردم نسبت به سنت (پیامبر اکرم(ص)) می باشد.»

ای کاش خود عائشه به این حدیث عمل می کرد، و به توصیه های امیرمؤمنان(ع) توجه می کرد و جنگ جمل را به وجود نمی آورد.»

4- پیامبر اکرم(ص) بعد از تزویج فاطمه به علی(ع) به دختر خود فرمود: «زوّجتک خیر اهلی، اعلمهم علماً و افضلهم حِلماً و اولهم سلماً؛ تو را به تزویج بهترین بستگانم و اهل در آوردم، که از نظر دانش داناترین، و از نظر حلم و بردباری برترین، و از نظر اسلام اولین می باشد.»

عبادت علی(ع)

عبادت و بندگی مولا امیر مؤمنان علی(ع) شهره جهان است، و مرکز ثقل مقامات و منزلت های علی(ع) در کنار علم خدادادی همان عبادت ها و نمازها و ناله ها و نیازهای شبانه اوست، این مسئله تا آنجا اهمیت دارد که خداوند به ملائکه مباهات و فخر فروشی بوسیله عبادت های امیرمؤمنان می کند.

پیامبر اکرم(ص) می فرماید: صبحگاهی جبرئیل با شادی و حالت بشارت بر من وارد شد. گفتم حبیب من چه شده تو را خوشحال و بشارت رسان می بینم؟ پس گفت: ای محمد! (ص) چگونه خوشحال نباشم و حال آن که چشمم بخاطر اکرامی که خداوند نسبت به برادرت و جانشینت و امام امتت علی بن ابی طالب روا داشته، روشن شده است، پس پیامبر اکرم(ص) فرمود: چگونه خداوند برادرم و امام امتم را گرامی داشته است؟

«قال: باهی بعبادته البارحة ملائکته و حملة عرشه و قال: ملائکتی انظروا الی حجّتی فی ارضی علی عبادی بعد نبیّی، فقد عفر خدّه فی التراب تواضعاً لعظمتی، اشهدکم انه امام خلقی و مولی بریّتی؛ گفت: خداوند با عبادت دیشب علی بر ملائکه و حاملان عرش مباهات نموده است. و فرموده است: ملائکه من نگاه کنید به حجّتم بر برندگانم در زمین بعد از پیغمبرم، بر راستی صورت و گونه اش بر خاک نهاده است بخاطر تواضع در مقابل عظمت من، شما را شاهد می گیرم که او (علی) پیشوای مخلوقم، و سرپرست مردمان من می باشد.»

در منابع شیعه آن قدر از عبادت امیرمؤمنان(ع) سخن به میان آمده که نیاز به یک کتاب دارد، خالی از لطف نیست که به ترجمه یک روایت اشاره کنیم:

ضاربین ضمره در حضور معاویه درباره علی(ع) چنین گفت: «پس خدا را شاهد می گیرم که او را در بعض جایگاهش دیدم. در وقتی که شب پرده های تاریکی اش را انداخته بود و ستارگان ظاهر شده بودند، در حالی که در محرابش ایستاده بود و محاسن خود را بر دست گرفته و مانند انسان مار گزیده به خود می پیچید و چون انسان غمدیده گریه می کرد... (گویا هنوز آواز او را در گوش جان دارم که می فرمود): آه آه از کمی توشه، طولانی بودن سفر، وحشت راه و بزرگ بودن جایگاه ورود.»

پس آنگاه اشک معاویه جاری شدو با آستینش آن را پاک کرد و دیگران هم اشک ریختند سپس معاویه گفت، آری ابوالحسن چنین بود...»

نیمه شب زمزمه ای هست بلند
که مرا می گسلد بند از بند
هست جانسوزتر از ناله نی
کرده صد ناله به یک زمزمه طی
چه روان بخش صدایی دارد
سوز عشق است و نوایی دارد
بس که با شور و نوا دمساز است

به سماوات طنین انداز است
آسمان ها همه با آن عظمت
رفته زین حال فرو در حیرت
دشت و صحرا همه در بهت و سکوت
که بلند است نوای ملکوت
این نوای ابدیت ازلیست
شاید آهنگ مناجات علی است
نیمه شب خلوت و رازی دارد
با خدا راز و نیازی دارد

امامت علی(ع)

آن علم بی پایان و آن عبادت بی مثال زمینه لیاقت امامت و پیشوایی او را فراهم نموده است. روایاتی که بر امامت بلافصل آن مولا در منابع اهل سنت وجود دارد بیش از آن است که منعکس گردد و از طرفی حدیث معروف ثقلین، حدیث منزلت، حدیث یوم الدار، حدیث غدیر و امثال آن که معروفند و متواترند بارها مطرح شده و در منابع فراوانی آمده است.

آنچه در این جا بدان اشاره می کنیم برخی روایاتی است که دلالت صریحتری دارند و کمتر در گفته ها به آن ها اشاره شده است:

1- پیامبر اکرم(ص) به علی(ع) فرمود: انگشتر به دست راست کن تا از مقرّبین باشی، عرض کرد یا رسول الله؟ چه انگشتری بر دست کنم. فرمود: عقیق سرخ پس برآستی آن کوه و سنگی است که به وحدانیّت خدا اقرار کرده است: «ولی بالتبوة ولک بالوصیة ولولک بالامامة...» و به نبوت من و جانشینی (بلافصل) تو و امامت (یازده نفر) فرزندان اقرار نموده است.

2- از ابن بریده... نقل شده است که پیامبر اکرم(ص) فرمود: «لکلّ نبیّ وصیّ و وارث و انّ علیّاً وصیّی و وارثی؛ برای هر پیغمبری جانشین و وارثی است، و برآستی علی جانشین و وارث من است.»

3- در روایت مربوط به عبادت آن حضرت این جمله را داشتیم که خداوند به ملائکه اش فرمود: «اشهدکم انه امام خلقی و مولی بریتی؛ شما را شاهد می گیرم که او (علی) امام مخلوقم و سرپرست آفریده های من است.»

4- عمروبن میمون از ابن عباس نقل نموده که رسول خدا(ص) به علی(ع) فرمود: «انت ولیّ کلّ مؤمن بعدی؛ یا علی! تو بعد از من رهبر و سرپرست تمام مؤمنین هستی.»

در این حدیث با توجّه به کلمه "بعدی" معنای ولیّ صراحت در رهبری و امامت دارد، و معنی ندارد که پیامبر بفرماید تو محبوب مؤمنان بعد از من هستی.

راستی باید گفت پیامبر اکرم(ص) در معرفی علی(ع) و بیان منزلت ها و مقامات امیرمؤمنان (ع) هرگز کوتاهی نکرد و با شیوه های مختلف محوریت و رهبریت او را به جامعه معرفی نمود، گاه دست او را بالا برد و فرمود: «این علی مولا و رهبر مردم است» و گاه می فرمود: «علی مع القرآن و القرآن مع علی لن یفترقا...؛ علی با قرآن است و قرآن با علی(ع) است و هرگز آن دو از هم جدا نمی شوند.»

و گاه او را محور حق معرفی نمود، در حدیث متواتر این جمله آمده است که پیغمبر اکرم(ص) فرمود: «علیّ مع الحقّ و الحقّ مع علیّ و لن یفترقا حتی یردا علیّ الحوض یوم القیامة؛ علی با حق است و حق با علی است و هرگز آن دو از هم جدا نمی شوند تا در روز قیامت در کنار حوض کوثر بر من وارد شوند.»

در روایت دیگر فرمود: «سیکون من بعدی فتنة، فاذا کان ذلک، فالزموا علی بن ابی طالب، فاته الفاروق بین الحقّ و الباطل؛ بزودی بعد از من فتنه(ها) پیدا می شود، پس همراه علی بن ابی طالب باشید، زیرا او(معیار) جدا کننده بین حق و باطل است.»

و فرمود: «کسی که از علی جدا شود از من جدا شده، و کسی که از من جدا شود از خدا فاصله گرفته است.»

قرآن در شأن علی(ع)

آیات فراوانی را علمای اهل سنت و مفسرین آنها در شأن امام علی(ع) تفسیر کرده اند و در تأیید آن روایاتی را از پیغمبر اکرم(ص) آورده اند به طوری که برخی از آنها مانند ابن حجر، خطیب بغدادی، سیوطی، گنجی شافعی، ابن عساکر، شیخ سلیمان قندوزی و... از ابن عباس نقل کرده اند که گفت: «نزلت فی علی ثلاث مائة آیه؛ سیصد آیه در شأن علی(ع) نازل شده است.»

و همین ابن عباس از پیامبر اکرم(ص) نقل نموده که آن حضرت فرمود: «ما انزل آیه فیها «یا ایّها الذین آمنوا» و علیّ رأسها و امیرها؛ و آیه ای که در آن «یا ایّها الذین آمنوا» آمده، نازل نکرده است خداوند مگر آن که علی در رأس آن قرار دارد.» یعنی تمامی این آیات در ابتدا و قبل از همه در شأن علی و مربوط به آن حضرت است.

اطاعت از علی(ع)

وقتی علی(ع) امام و پیشوای مردم است و محبوب پیغمبر، و دارای علم لدنی و الهی، و در اوج طاعت و بندگی قرار دارد، و معیار حق و باطل و ثقل جدا نشدنی از قرآن بحساب می آید بر مردم است که از او و هر کس را که او تعیین نموده است اطاعت کنند، و این اطاعت لازم و ضروری است پیامبر عظیم الشأن درباره اطاعت و پیروی از امیرمؤمنان تعبیرات فوق العاده ارزشمندی دارد که به نمونه هایی اشاره می شود:

1- سلمان با سندش به فاطمه زهرا(س) نقل می کند که پیامبر اکرم(ص) فرمود: «علیکم بعلی بن ابی طالب علیه السلام فاته مولاکم فاحبّوه، و کبیرکم فاتبعوه، و عالمکم فاکرموه، و قائدکم الی الجنة(فعرّزوه) و اذا دعاکم فاجیبوه و اذا امرکم فاطیعوه، احبّوه بحبّی و اکرموه بکرامتی، ماقلت لکم فی علیّ الا ما امرنی به ربّی جلّت عظمته؛ بر شما باد به (همراهی) علی بن ابی طالب علیه السلام، براستی او مولا و سرپرست شماست پس او را دوست بدارید، و بزرگ شماست پس از او پیروی کنید و دانشمند شماست پس از او اکرام کنید و پیشوای شما به سوی بهشت است پس او را عزیز دارید، هرگاه شما را (به کاری) دعوت کند اجابت کنید، و اگر دستور داد اطاعت کنید، بخاطر دوستی من او را دوست بدارید و به خاطر بزرگی من او را بزرگ شمارید.(بدانید) من چیزی درباره علی به شما نگفتم جز آنچه خدای بزرگ عظمت به آن امر کرده است.»

حدیث آن قدر گویا و روشن است که نیازی به هیچ توضیحی ندارد، و بالصراحة می گوید آنچه درباره علی(ع) سفارش شده، تماماً اوامری است که از سوی خداوند متعال صادر شده است راستی اگر جامعه اسلامی فقط به همین حدیث عمل می کردند، این همه دچار انحراف و اختلاف و انشعاب نمی شدند.

2- پیامبر اکرم(ص) به عمار فرمود: «یا عمار! ان رأیت علیّاً قد سلک وادیّاً و سلک الناس وادیّاً غیره فاسلک مع علیّ و دع الناس ان ین بدلک علی ردی و لن یخرجک من الهدی؛ ای عمار! اگر دیدی علی به راهی می رود، و مردم به راهی غیر از او، تو با علی حرکت کن، و مردم (دیگر) را رها کن، زیرا علی (فقط بر حق هدایت می کند و) بر بدی و پستی راهنمایی نمی کند و از هدایت خارج نمی سازد.»

و با تأسف باید گفت اکثریت مردم به هر راهی رفتند و سرشان به سنگ خورد، جز راه علی را. و فقط گروه خیلی در طول تاریخ با علی و راه علی و اهداف و آرمان های علی ماندند.

محبت به علی(ع)

یقیناً اطاعت و پیروی بدون محبت و عشق یا ممکن نیست و یا بسیار سخت و طاقت فرساست.

آنچه اطاعت و پیروی صددرصد از یک امام و پیشوا را شیرین و سهل و راحت می سازد محبت به آن رهبر است. علی(ع) از رهبرانی است که در طول تاریخ محبوب بوده است، درباره محبت به آن حضرت آن قدر روایات فراوانی وجود دارد که یک کتاب قطور خواهد شد، آنچه به عنوان حسن ختام بیان می شود برخی روایات است از منابع اهل سنت:

1- پیامبر اکرم(ص) فرمود: «عنوان صحیفة المؤمن حبّ علیّ بن ابیطالب(ع)؛ سرلوحه و تیتراژ نامه کردار مؤمنین دوستی علی بن ابی طالب است. هر کس دوست می دارد زندگیش همانند من(خدایسندانه) باشد و مردنش همانند من و جایگاهش در بهشتی باشد که پروردگارم درختان آن را کاشته باید «دوستدار علی» باشد و دوستان علی را نیز دوست بدارند، و به پیشوایان پس از من (از فرزندان علی) اقتدا نمایند زیرا آنان عترت و ذریه و فرزندان من هستند و از گِل من به وجود آمده اند، و از طرف خدا رزق و علم داده شده اند، وای بر تکذیب کنندگان فضل آنها از امت من، آنانی که صیله من با آنها را قطع می کنند، و خداوند شفاعتم را به آنها نرساند.»

2- جابر از پیامبر اکرم(ص) نقل کرده است که پیامبر فرمود: «جبرئیل از طرف خدای عزیز و جلیل ورقه سبزی از یاس را آورد که بر روی آن (با رنگ) سفید نوشته بود: «انی افترضت محبة علیّ بن ابی طالب علی خلقی عامة، فبلغهم ذلک عتی؛ براستی من محبت علی را بر همه مردم واجب کردم و این را از طرف من (به همه) برسان.»

3- ابوبرزه می گوید: پیامبر اکرم در حالی که ما نشسته بودیم فرمود: روز قیامت از چهار چیز پرسش می شود قبل از آن که کسی قدم از قدم بر دارد:

1- از عمر که کجا فانی نموده

2- از بدنش که کجا کهنه کرده

3- و از مالش که از کجا آمده و کجا مصرف شده است

4- و عن حیّتا اهل البیت؛ و از دوستی ما اهل بیت پرسش می شود.

قال له عُمَرُ: فما آية حَبَّكم من بعدكم؟ قال: فوضع يده على رأس عليّ - و هو الى جانبه - و قال ان حَبِّي من بعدى حَبٌّ هذا! پس عمر به حضرت عرض کرد: نشانه محبت به شما بعد از شما چیست؟ راوی می گوید: پیامبر دست خود را بر سر علی - در حالی که در کنارش نشسته بود - قرار داد و فرمود: براستی محبت به من بعد از (مرگ) من محبت به این (علی) است.»

4- مناقب با اسنادش از پیامبر اکرم(ص) نقل نموده که آن حضرت فرمود: «یا علی! هرگاه بنده ای خدای عزیز و جلیل را بندگی کند همانند آن مقداری که نوح در میان قومش ماند(بیش از هزار سال) و برایش به اندازه کوه احد طلا باشد و آن را در راه خدا ببخشد، پس آن را در راه خدا انفاق کند و عمرش به قدری طولانی شود تا هزار مرتبه با پای پیاده به حج مشرف شود سپس در میان (کوه) صفا و مروه مظلومانه شهید گردد، ولی محبت و ولایت تو را نداشته باشد، ای علی! بوی بهشت را استشمام نخواهد کرد و داخل بهشت نخواهد شد.»

و راستی با این نمونه ها و صدها امثال آن درباره محبت علی(ع) باز کسی می تواند دشمن علی باشد جز کسانی که پیامبر اکرم(ص) آنها را این گونه معزفی نمود: «فانه لا یبغضک من العرب الادعی ولامن الانصار الا یهودی و لا من سائر الناس الا شقی»(ای علی!) براستی تو را دشمن نمی دارد از عرب مگر کسی که زنازاده باشد و نه از انصار مگر کسی که یهودی باشد، و نه از سایر مردم مگر کسی که شقی باشد.»